

بررسی پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان

از نظر فقه امامیه

یوسف مرادی^۱

محمدرضا کیخا^۲

حسین خاکپور^۳

چکیده

مسئله پیوند اعضا، به لحاظ اهمیت فوق‌العاده‌ای که در مسائل فردی و اجتماعی دارد، مورد توجه قانونگذاران کشورها قرار گرفته و اکثر کشورهای پیشرفته برای پیوند اعضا قانون دارند و در کشور ایران هم آیین‌نامه‌ای در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۲۵ توسط هیأت وزیران به تصویب رسید؛ از آنجایی که اهداکنندگان انسانی بسیار کم‌تر از متقاضیان عضو پیوندی هستند و بسیاری از متقاضیان هرگز به آرزویشان نمی‌رسند و خطر مرگ متوجه آنان است و متحمل رنج در زندگی هستند، بنابراین پزشکان برای تأمین عضو پیوندی به فکر استفاده از مصنوعات و منابع نامحدود حیوانی^۱ افتاده‌اند. برخی از حیواناتی که برای پیوند به انسان سازگار هستند، به لحاظ فقهی، نجس‌العین و مردار هستند و باید حکم فقهی پیوند آن‌ها معلوم گردد. بنابراین هدف نوشته پیش رو کاوش و بررسی مبانی فقهی مسئله در جهت روشن شدن حکم آن است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد قرآنی - روایی و تمرکز بر فقه امامیه صورت می‌پذیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پیوند اعضای حیوان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده

Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

مسئول)

۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

نجس‌العین و یا مردار به انسان بر اساس مبانی فقه - مانند آیات قرآن، روایات، عقل، قواعد فقهی و اصول عملیه - جایز بوده و فتاویٰ برخی از مراجع تقلید هم مؤید این مطلب است. پیوند عضو حیوان نجس‌العین و مردار جایز می‌باشد، زمانی که عضو پیوندی جزء بدن انسان شود و روح در آن حلول نماید، طاهر است و نماز با آن صحیح می‌باشد.

واژگان کلیدی

پیوند، حیوان، انسان، فقه

مقدمه

عمل پیوند اعضای حیوان یکی از انواع رایج پیوند می‌باشد که به عنوان «Xenotransplantation» نام‌بردار است، کلمه «Xeno» به معنی «بیگانه» (منجمی، ۲۰۰۴ م.) و «Transplant» به معنی «پیوند» (منجمی، ۲۰۰۴ م.) می‌باشد. از آنجایی که اعضای حیوان، هم نوع بدن انسان نیستند، این عنوان بر آن استفاده می‌شود. به دلیل عدم تعادل بین عرضه عضو پیوندی از سوی منابع انسانی و تقاضای فراوان از سوی بیماران نیازمند، خطر مرگ همواره افراد منتظر در لیست پیوند عضو را تهدید می‌کند. در واقع تعداد زیادی از افراد منتظر در لیست پیوند هرگز پیوندی دریافت نمی‌کنند و این عدم تناسب، در کنار کاستی و بی‌کیفیتی اعضای مصنوعی، باعث شده تا پزشکان به فکر تأمین اعضای پیوندی از منابع حیوانی باشند و با بررسی‌های صورت‌گرفته معلوم شد که اصل پیوند اعضا از نظر پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته و کتاب پیوند اعضا در فقه اسلامی نوشته سعید نظری توکلی و مقاله نگرشی جامع بر پیوند اعضا نوشته باقر لاریجانی در این زمینه نگاشته شده است، ولی از منظر فقه تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه پیوند اعضای حیوانات نجس‌العین و مردار به انسان صورت نگرفته و فقط به صورت موردی در بین فتاوا و پاسخ به استفتائات فقها، مطالبی در این خصوص یافت می‌شود و از این جهت این موضوع یک موضوع جدید بوده و امید است بتواند مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد، لذا این مقاله با هدف رفع دغدغه‌های فکری و هموارسازی راه پیشرفت این عمل تدوین شده و این اقدام را از منظر فقه بررسی نموده است که اولاً حکم پیوند اعضای حیوانات نجس‌العین یا مردار به بدن انسان چیست؟؛ دوماً حکم طهارت و نجاست عضو پیوندی چیست؟

الف - بررسی امکان جواز پیوند اعضای حیوان به انسان از نظر فقه

در این زمینه در بین منابع فقه بررسی‌های لازم صورت گرفته مبانی امکان جواز پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به انسان عبارتند از: اضطرار، حکم عقل و اصل اباحه و مؤیداتی مانند وجوب نفی ضرر و نفی حرج که در این مقاله آیات و روایات مربوطه هم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱- بررسی اضطرار (در پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان)

اضطرار از عناوین ثانوی است که با پیدایش آن، تکلیف مربوط، از عهده مکلف برداشته می‌شود؛ بدین معنا که مکلف را از موضوع حکم شرعی خارج می‌کند که نتیجه آن، جواز ارتکاب حرام یا ترک واجب در حال اضطرار است، مانند خوردن مردار یا ترک نماز که در شرایط عادی، حرام و در حال اضطرار، حلال است. (هاشمی، ۱۴۲۶ ق.)

۱-۱- آیه‌های مربوط بر اضطرار: مطابق آیات وحی خوردن گوشت حیوان

نجس‌العین هم در صورت اضطرار و عدم تمایل به گناه جایز است و حتی گاهی به صورت صریح بیان شده است که در صورت اضطرار جایز است که از آنچه را که خداوند حرام نموده هم استفاده نمایید؛ وقتی که خوردن حرام در صورت اضطرار حلال است، پس به طریق اولی پیوند عضو حیوان نجس‌العین و مردار به بدن انسان جایز است و آیات ذیل برای اثبات این ادعا کارایی دارد.

۱-۱-۱- خداوند در آیه ۱۱۵ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ

الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَ مَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ آنچه خداوند بر شما حرام نموده مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شده است، پس اگر کسی ناگزیر از خوردن یکی از محرّمات مذکور شود، چنانچه زیادت طلب و متجاوز از حد نباشد گناهی بر او نیست.»

همچنین آیت... سبحانی در ذیل این آیه می‌فرماید: «تدلّ علی المیته و لحم الخنزیر و غیر المذکّی و ما یشبه ذلك محرّمة تشریعاً إلاّ فی حالة الاضطرار فالمضطرّ یباح له ذلك؛ دلالت می‌کند بر میته و گوشت خوک و غیر مزکی و شبیه آنکه از نظر شرع حرام است، مگر در حالت اضطرار پس این‌ها برای مضطر مباح هستند.» (سبحانی، ۱۴۱۵ ق.)

۲-۱-۱- خداوند در آخر آیه ۳ سوره مائده می‌فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرٍ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ کسی که به واسطه گرسنگی ناگزیر از خوردن شود در حالی که متمایل به ارتکاب گناه نباشد، همانا خداوند آمرزنده مهربان است.» آیت... مکارم شیرازی در ذیل این آیه می‌فرماید: «در این آیه حکم تحریم میته به دلیل اضطرار برداشته شده است.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق.) همچنین خداوند در آیه ۱۱۹ از سوره انعام: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ؛ شما را چه شده است که از آنچه نام خداوند بر آن برده شده نمی‌خورید؟ در حالی که آنچه بر شما حرام شده به تفصیل برایتان بیان شده است؛ مگر این‌که ناگزیر از خوردن آن شوید.» در تفسیر مجمع البیان آمده است که معنای «إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ» این است که خوردن آنچه که در صورت امتناع از خوردن، بر هلاک نفس خود بیمناک می‌شوید، برایتان مجاز است، (طبرسی، ۱۳۷۲ ش.) اگرچه چیزی باشد که خداوند آن را حرام نموده باشد. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق.) همچنین قطب راوندی در ذیل قسمت «إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ» می‌فرماید: «معناه إلاّ إذا خفتم علی نفوسکم الهلاك من الجوع و ترك التناول فحينئذ يجوز لكم تناول ما حرمة الله فی قوله حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ؛ معنای آن این است که غیر از زمانی که ترس هلاک نفستان را در اثر گرسنگی یا ترک تناول داشتید.» (راوندی، ۱۴۰۵ ق.)

طبق این آیات استفاده از برخی موارد ممنوعه هنگام ضرورت مجاز است، در نتیجه می‌توان برای حکم پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به انسان هنگام اضطرار استفاده نمود. به این دلیل که ملاک در جواز اکل حرام اضطرار است و آن ملاک در اینجا هم موجود است، یعنی فردی که نجاتش از مرگ منوط به پیوند عضوی از اعضای حیوانات باشد، می‌تواند بر اساس این آیات این اقدام را انجام دهد.

۱-۲-۱- روایت‌های مربوط به اضطرار: از دیگر دلایلی که برای امکان جواز پیوند اعضای حیوان نجس‌العین یا مردار به انسان کارایی دارند، روایات هستند، چراکه در روایات بیان شده که هنگام اضطرار، ارتکاب حرام جایز است. بنابراین می‌شود از این روایت‌ها در بحث پیوند اعضای حیوان نجس‌العین یا مردار به انسان هم استفاده نمود، زیرا این نوع از پیوند هم از سر اضطرار صورت می‌پذیرد. در زیر چند روایت که در این زمینه کاربرد دارند، بیان گردیده است.

۱-۲-۱- امام صادق (ع) فرموده است: «مَنْ اضْطُرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْجَنْزِيرِ فَلَمْ يَأْكُلْ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ كَافِرٌ؛ هر کس به گوشت مردار و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آن‌ها تناول نکند تا بمیرد، [به حکم خدا] کفر ورزیده است.» (صدوق، ۱۴۱۳ ق.) در این روایت، امام حفظ جان را واجب شرعی تلقی کرده و امتناع از آن را مخالفت با شارع و کفر به حساب آورده است و نیاز به پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار اگر به این حد برسد، باید برای حفظ جان این پیوند انجام شود و رفع اضطرار به این معنی است که پیوند اعضای حیوان به انسان جایز است.

۱-۲-۲- محقق داماد در قواعد فقه خود برای قاعده اضطرار، قسمت مستندات روایی به این جمله به عنوان روایت استناد نموده، ولی ننوشته که این روایت از کیست و ترجمه آن روایت چنین است: «هیچ چیز را خداوند حرام نکرده، مگر

آنکه برای کسی که مضطر است، حلال می‌شود.» (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق.) طبق این روایت که هر حرامی در حالت اضطرار حلال می‌شود، می‌توان گفت که پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به بدن انسان در حال اضطرار حلال است.

۳-۲-۱- حدیث رفع که در خصال شیخ صدوق نقل شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ... وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ؛ إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) مَيِّ فَرَمَايِدُ كِه رَسُوْلُ خُدَا (ص) فَرَمُوْد: اَز اَمْت مَن نِه چِيْز بَر دَاشْتِه شُدِه اَسْت: خَطَا وَ فَرَا مَوْشِي وَ اَنچِه بَر اَن اَكْرَاه شُوْنْد وَ اَنچِه نَمِي دَاْنَنْد وَ اَنچِه تَاب اَن رَا نِدَاْرَنْد وَ اَنچِه بَدَا ن مَضْطَرَنْد وَ حَسَد وَ فَا ل بَد وَ وَسُوْسِه دَر اَفْرِيْنِش تَا بِه زَبَا ن نِيَاوْرْدِه اَنْد. بِه قِضَاوْت مَتَخْصِصِيْن اَمْر (پِزِشْكَا ن) وَ عَرَف اَسْتِغَاْدِه اَز عَضُو حِيْوَا ن جِهْت حَفْظ جَا ن بِيْمَاْرَا ن، اَمْرُوْزِه اَز مِصَاْدِيْق بَاْرز رَفْع اَضْطَرَا ر مَحْسُوْب مِي گَرْدِد.» (صدوق، ۱۳۶۲ ق.) از آنجایی که ارتکاب افعال در حال اضطرار مشمول این حدیث می‌شود و جایز است، پس عمل پیوند اعضای حیوان نجس‌العین یا مردار به بدن انسان طبق این حدیث جایز است.

۲- حکم عقل

عمل پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به انسان از مصادیق حفظ نفس است که عقلاً واجب است و برخی از بزرگان هم برای حفظ نفس زد و خورد را جایز دانسته‌اند، حتی می‌توان این پیوند عضو را از مصادیق دفع زیان از نفس دانست که به حکم عقل واجب است و در صورتی که با ترک پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار ضرر بزرگی از فرد دور شود دفع این ضرر بر او واجب خواهد بود.

بنا بر آیه‌ها، روایت‌های مربوطه و حکم عقل در حالت اضطرار، کیفر گناهیانی مانند زنا (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) از بین می‌رود و خوردن و نوشیدن چیزهای حرام بر

انسان حلال می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) و از آنجایی که عمل پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به بدن انسان به منظور حفظ حیات انسان صورت می‌گیرد، این عمل جایز می‌باشد و بر همین اساس فقها در مورد وصل کردن جزئی از حیوان نجس‌العین، مانند روده سگ به روده انسان زنده در صورتی که بیمار، مضطر به چنین عملی باشد، فرموده‌اند: «مانعی ندارد.» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۵ ق.) از آنجایی که با بررسی ادله موجود و نظریه‌های فقیهان به نظر مخالفی برخورد نکردیم، می‌توان گفت عمل پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به بدن انسان جایز می‌باشد، ولی زمینه‌هایی برای احتمال خلاف هم وجود دارد که در جای خود بررسی خواهد شد و در ذیل ابتدا با استفاده از ادله، امکان جواز پیوند اعضا را بررسی نموده و پس از آن به بیان نظرات مخالفین و پاسخ به آن‌ها پرداخته، سپس نظرات تعدادی از فقیهان ذکر می‌شود.

۲- مؤیدات جواز

بر اساس آیه قرآن، روایت و عقل حکم ضرری و حرجی نفی شده است، هرچند که برای پیوند عضو حیوان نجس‌العین یا مردار به انسان حرمتی اثبات نشده است که لازم باشد از طریق لاضرر و نفی حرج آن را نفی کنیم، ولی می‌توان به عنوان اولویت این‌گونه بیان کرد که همانطور که حرمت توسط لاضرر و نفی حرج از بین می‌رود، به طریق اولی می‌شود از همان مستندات به عنوان مؤید جواز این نوع پیوند استفاده نمود که در ذیل تعدادی از آیات و روایات بیان می‌شوند.

۱-۳- مستندات نفی ضرر: برخی از مستندات نفی ضرر که می‌توان از آن‌ها

به عنوان مؤیدات جواز این نوع از پیوند نام برد، به شرح ذیل می‌باشند:

۱-۳-۱- خداوند در آیه ۲۲۳ سوره بقره، مادران را نهی نموده است از این‌که با

قطع شیر، موجب زیان و ضرر فرزند خود شوند و طبق این آیه واردنمودن ضرر

منه‌ی عنه است، چراکه خداوند می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلَهُ وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ؛ هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند» (بقره: ۲۳۳) و علت نهی از ترک شیردادن مضر بودن آن کار است که همین مضر بودن در ترک پیوند عضو حیوان نجس‌العین و یا مردار به انسان هم وجود دارد، پس می‌توان گفت به دلیل وحدت ملاک، ترک این پیوند هم منه‌ی عنه است و این خود مؤیدی برای جواز این نوع از پیوند است.

۲-۳-۱- طبق برخی از احادیث، اگر شخصی از اموال خود به گونه‌ای استفاده کند که دیگران را در تنگنا قرار می‌دهد، جایز است برای رفع تنگنا از زندگی دیگران، مانع استفاده آن شخص شد و از آنجایی که عمل پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به بدن انسان هم برای بیرون رفتن از تنگناهای زندگی است، جایز است و این را می‌شود از حدیث زراره در مورد باغ ثمره بن جندب از امام باقر (ع) فهمید، آنجا که می‌فرماید: «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْأَنْصَارِيِّ إِذْ هَبَّ فَاقْلَعَهَا وَ ارْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ؛ پس رسول خدا (ص) به مرد انصاری فرمود: برو آن درخت را از جایش بکن و به سوی او انداز، زیرا (بر مؤمن) ضرر و زیان و ضرار و زیان‌رساندن نیست.» (مجلسی، ۱۳۸۲ ش.)

مطابق برخی از آیه‌های قرآن هر گاه در اثر عمل به احکام و الزامات شرعی، مکلف در عسر و حرج واقع شود، این احکام و الزامات از عهده او برداشته می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق.) و از این مطلب می‌توان به عنوان مؤید جواز این نوع از پیوند استفاده نمود، چراکه شخصی که به پیوند عضو حیوان نجس‌العین و مردار نیازمند است، به واسطه بیماری در تنگنا قرار دارد و زندگی برای او سخت است و در حرج واقع می‌شود.

۳-۳-۱- خداوند در آیه ششم سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا؛ اگر جنب بودید، تطهیر کنید و اگر مریض یا در سفر بودید یا قضای حاجت کردید و یا با زنان هم‌بستر شدید و آب برای تطهیر نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید و صورت و دست‌های خود را مسح کنید.» خداوند نخواست است که شما را در حرج قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را تطهیر کند و نعمت خود را بر شما تمام سازد، شاید شما شکرگزار شوید. این که حکم طهارت مائیه به دلیل سختی و مشقت به طهارت ترابیه تبدیل شده است، خود بیانگر اینست که شارع نمی‌خواهد مکلفین در حرج بیفتند، هم‌چنانکه به صورت صریح هم این مطلب را بیان می‌دارد، آنجایی که می‌فرماید: «مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده: ۶) حکم حرمت پیوند اعضای حیوان به انسان هم باعث می‌شود که انسان نیازمند به پیوند عضو از حیوان اولاً: به خاطر نقص عضو و عدم جبران آن از طریق تأمین از بدن حیوان به حرج بیفتد؛ ثانیاً اگر هم بخواهد از انسان دیگری تأمین نماید، باز هم شخص دیگری به حرج می‌افتد؛ ثالثاً خود فرد نیازمند به پیوند عضو حیوان هم به خاطر مسائل مالی در حرج می‌افتد و از آنجایی که فرد نیازمند به این نوع از پیوند با حرج مواجه است و نفی حرج مندرج در آیه، ناظر، به علت عمومیت و اطلاقی که دارد همه احکام شرع را دربر می‌گیرد و شامل کلیه مقررات اسلامی می‌شود، می‌توان از این آیه برای امکان جواز این نوع از پیوند استفاده نمود.

۳-۳-۴- خداوند سبحان پس از آنکه در آیه ۷۷ سوره حج، مؤمنان را ملزم می‌کند که برای گشایش راه‌های فلاح و رستگاری، به رکوع و سجود و پرستش پروردگارشان قیام کنند و فاعل خیر شوند، در آیه ۷۸ می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي

اللَّهِحَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتِبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...؛ جهاد کنید در راه خداوند، آنطوری که شایسته جهاد در راه اوست. او شما را برگزیده و در دین برای شما حرجی قرار نداده است.»

«ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» ناظر به کلیه قوانین اسلام است و اختصاص به برخی احکام ویژه ندارد. آیت... سبحانی در ذیل این آیه می‌فرماید: «یدلّ علی أنّ کلّ حکم حرجی مرفوع فی الإسلام و غیر مشرّع؛ دلالت می‌کند بر این که هر حکم حرجی در اسلام مرفوع بوده و تشریح نشده است.» (سبحانی، ۱۴۲۳ ق.)

۲-۳- روایات دال بر نفی عسر و حرج: برخی از روایات که می‌توان از

آن‌ها به عنوان مؤیدات جواز این نوع از پیوند نام برد، به شرح ذیل می‌باشند:

۱-۲-۳- شیخ انصاری برای بیان حجیت ظواهر کتاب، به این حدیث استناد کرده است (۱۴۱۶ ق.) که در مورد وضوی جبیره‌ایست که امام صادق (ع) در این زمینه با استناد به آیه نفی حرج، وضوی جبیره‌ای را تأیید فرمودند که این مطلب هم مؤیدی برای جواز پیوند اعضای حیوان به انسان است و متن روایت چنین است که عبدالاعلی مولی آل سام می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظُفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إِصْبَعِي مَرَارَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ قَالَ تُعْرِفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ امْسَحْ عَلَيْهِ؛ در این روایت راوی به امام صادق (ع) می‌گوید که به زمین افتاده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است، حال چگونه باید وضو بگیرد. امام (ع) می‌فرماید: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا روشن می‌شود، زیرا خداوند فرموده است که در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است.» (مجلسی، ۱۳۸۲ ش.)

۲-۲-۳- روایتی وجود دارد که امام صادق (ع) وضوی با آب نجس را به دلیل نفی حرج جایز دانسته‌اند و در امکان جواز پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا

مردار به انسان هم می‌توان از نفی حرج استفاده نمود و علاوه بر آن از آنجایی که وضو مقدمه نماز است، می‌توان گفت نماز با چنین وضویی و یا با عضو نجس یا مرداری که به بدن انسان پیوند شده است، صحیح است و متن روایت چنین است: ابی بصیر از امام می‌پرسد در سفرها چه بسا به برکه‌هایی برمی‌خوریم که در کنار آبادی است و انواع نجاسات در آن یافت می‌شود. حضرت می‌فرماید آب را با دستت به هم بزنی و سپس وضو بگیر، زیرا در این، مضیقه و تنگنا نیست و خداوند می‌فرماید: «ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»

۳-۲-۳- طبق این حدیث از زبان پیامبر اکرم (ص)، بنای احکام اسلام بر مبنای آسان‌گیری است و اگر قرار باشد در مسأله پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به بدن انسان، آن هم در صورتی که حیات انسان وابسته به این پیوند باشد، سخت‌گیری نماییم این با آسان‌گیری سازگاری ندارد. بنابراین از این حدیث هم می‌شود جواز این نوع از پیوند را پیدا نمود، چراکه آن حضرت فرمودند: «بعثت بالحنيفية السمحة السهلة؛ مبعوث شدم به دین حنیف سهل و آسان.» (مجلسی، ۱۳۸۲ ش.) در مجموع آنچه از روایت‌ها به دست می‌آید، اینست که اگر حفظ جان انسان منوط بر پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار باشد، هیچ منعی ندارد.

۴- اصول عملیه

یکی از اصول عملیه‌ای که می‌تواند در امکان جواز پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان کاربرد داشته باشد، اصل اباحه است که بر اساس این اصل، اصل در اشیا قبل از ورود شرع اباحه است، زیرا هیچ‌گونه دلیلی (اعم از علم یا علمی) دلالت ندارد که این عمل ضرر دنیوی دارد و برای اثبات ضرر اخروی نیز باید دلیل شرعی اقامه گردد، در حالی که فرض ما بر این است که فاقد دلیل شرعی هستیم، زیرا اگر در واقع عقابی در کار بود، لازم بود خداوند به ما

اعلام فرماید، نتیجه می‌گیریم هم ضرر دنیوی و هم ضرر اخروی منتفی است. در نتیجه اباحه حاکم است. (ولایی، ۱۳۸۷ ش.)

خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: «او کسی است که تمام آنچه را که روی زمین وجود دارد برای شما خلق نموده» (بقره: ۲۹) آیه در مقام امتنان است و آن هم‌زمانی مفهوم خواهد داشت که نعمت‌های الهی از هر جهت حلال باشد، مگر موارد استثنایی که با ادله تبیین گشته است (ولایی، ۱۳۸۷ ش.) و از این آیه در امکان بحث پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان هم می‌شود استفاده کرد، چراکه این‌ها از نعمت‌های خداوند هستند و استثنا هم نشده‌اند.

در این نوع از پیوند هم فواید فراوانی از جمله حفظ حیات بشری موجود است و هیچ ضرری وجود ندارد، پس می‌شود اصل اباحه را جاری نمود و چنین نتیجه گرفت که عمل پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان، جایز است.

۵- بررسی دیدگاه فقهای معاصر

از نظر فقهی لازم است این مسأله را در دو زمینه بررسی کنیم:

- اصل جواز عمل پیوند اعضای مردار یا حیوان نجس‌العین به انسان؛

- قطع عضو، ولی از آنجایی که غالباً عضو پیوندی را از بدن دهنده آن قطع می‌کنند و به بدن گیرنده پیوند می‌نمایند، هر دو مسأله به صورت‌های ذیل بیان می‌شود:

۵-۱- قطع اعضای میت مسلمان و پیوند به بدن مسلمان نیازمند:

هرچند که این مسأله از موضوع این مقاله خارج است، اما با بررسی منابع موجود به نظر صریح فقها در این زمینه نرسیدیم، ولی محققین این‌گونه بیان نموده‌اند: «همان‌گونه که قطع عضو بدن میت کافر و پیوند آن بر مسلمان جایز است، عکس آن نیز جایز است، زیرا دلیلی نداریم که انسان نیازمند به پیوند، باید مسلمان

باشد.» (هاشمی، ۱۳۸۶ ق.) و از همین مطلب هم می‌شود برای امکان جواز پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به بدن انسان استفاده کرد، چراکه اگر نجاست مانع پیوند باشد، دلیلی برای استثنای پیوند اعضای کافر که به طور ذاتی نجس است، وجود نداشت.

۲-۵- قطع اعضای میت غیر مسلمان و پیوند به بدن انسان: این عمل از

منظر فقها جایز است و امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «قطع عضو میت غیر مسلمان برای پیوند زدن مانعی ندارد.» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ق.) و آیت‌ا... منتظری می‌نویسد: «قطع عضو میت غیر مسلمان برای پیوند جایز است.» (منتظری، ۱۴۲۷ ق.)

۳-۵- قطع اعضای حیوانات نجس‌العین و پیوند به بدن مسلمان: به نظر

می‌رسد از منظر فقه این عمل جایز باشد. برخی از فقیهان نیز به صراحت این مطلب را بیان نموده‌اند، به طور مثال امام خمینی (ره) می‌فرماید: «جایز است عضوی از اعضای بدن حیوان نجس‌العین را به بدن شخص مسلمان پیوند زد.» (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ق.) آیت‌ا... وحید خراسانی می‌فرماید: «پیوند زدن عضوی از اعضای حیوان نجس‌العین به بدن شخص مسلمان جایز است.» (خراسانی، ۱۴۲۸ ق.)

۴-۵- قطع اعضای حیوان حلال گوشت و پیوند به بدن انسان: هر چند

که این نوع پیوند از موضوع مقاله ما خارج است، ولی با بررسی به عمل آمده مشخص گردید که مقتضای ادله، جواز این نوع پیوند است و این مطلب از قیاس اولویت هم فهمیده می‌شود، به این دلیل که وقتی پیوند اعضای نجس‌العین به بدن انسان جایز باشد، دلیلی برای منع جواز پیوند اعضای حلال گوشت وجود ندارد و علاوه بر این مطلب، جواز اکل گوشت حیوانات حلال گوشت هم مؤید این مطلب است.

۵-۵- بریدن عضو میت مسلمان و پیوند به بدن انسان: این عمل از منظر فقیهان جایز نیست، مگر آنکه حفظ جان مسلم منوط به آن باشد و آیت... منتظری در این زمینه نوشته است: «اگر حفظ جان مسلمانی متوقف بر پیوند عضوی از اعضای میت مسلمان به بدن او باشد، قطع و پیوند آن عضو جایز است.» (منتظری، ۱۴۲۷ ق.)

۵-۶- قطع عضو مسلمان مرده در صورت توقف حفظ عضو مهمی همچون چشم بر آن: این مسأله هم از موضوع این مقاله خارج است، اما به نظر نمی‌رسد با عنایت به قاعده لاضرر و اضطرار این عمل جایز نباشد و آیت... منتظری می‌نویسد: «اگر حفظ عضو مهم و مؤثری از مسلمان متوقف بر قطع عضو میت مسلمان باشد، در این صورت نیز قطع و پیوند آن عضو جایز است، به خصوص اگر خود میت به آن وصیت کرده باشد.» (منتظری، ۱۴۲۷ ق.)

۶- نقد و بررسی دیدگاه مخالف

با بررسی در بین منابع موجود، مخالفت هیچ فقیهی با پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به بدن انسان، یافت نشد، ولی برخی از محققان شبهاتی را در مخالفت با پیوند اعضا مطرح نموده‌اند که آن شبهات به همراه پاسخ در ذیل بیان می‌گردد:

۱-۶- منع مبادله به دلیل نداشتن منفعت حلال و نجاست: عمده دلیلی که ممکن است از آن در عدم جواز این مبادله استفاده نمود، مسأله نجاست عضو پیوندی است و مرحوم شیخ انصاری هم نجاست و عدم‌الانتفاع را از علل حرمت معاوضه بول غیر مأكول اللحم بیان می‌فرماید. (انصاری، ۱۴۱۱ ق.)

۱-۱-۶- پاسخ: در خصوص نداشتن منفعت حلال باید بگوییم که پیوند عضو حیوان نجس‌العین به انسان به منظور نجات جان او، تسهیل زندگی او، آرامش

- روان او و شاید زیبایی جسم او صورت پذیرد که همه این‌ها منافع حلال می‌باشد و به علاوه فردی که نیاز به پیوند عضو پیدا می‌نماید، چند صورت پیدا می‌کند:
- از انسان زنده دیگری تأمین نماید: این کار هم هزینه سنگین دارد و هم فرد دیگر دچار نقص عضو می‌شود؛
 - از انسان مرده‌ای تأمین نماید که اولاً افراد واجد شرایط برای این کار کم هستند؛ ثانیاً اگر این کار مجاز باشد، به طریق اولی برداشت از حیوان هم جایز است.
 - از عضو مصنوعی تأمین کند: اولاً این کیفیت را ندارد؛ ثانیاً اگر نیاز انسان با عضو مصنوعی کم‌هزینه تأمین شود، انسان سراغ پیوند عضو حیوان یا انسان نمی‌رود، البته اعضای مصنوعی ارزان نیستند.
 - از بدن حیوان تأمین کند، در این صورت ممکن است عضو حیات بگیرد و مشکلات آن فرد حل شده و هزینه آن کم‌تر باشد.
 - تأمین نکند: در این صورت یا می‌میرد و یا تا آخر عمر با مشکلات ناشی از نقص عضو زندگی را به سر کند.
- با این حساب، پرفایده‌ترین و عاقلانه‌ترین روش گزینه پیوند اعضای حیوان به انسان است، پس این عمل پرفایده است و شامل اعمال بی‌فایده نیست و منعی ندارد و جایز است.
- و در خصوص شبهه نجاست هم اول: امام خمینی (ره) بعد از این‌که اصل پیوند عضو را مجاز دانسته‌اند، این احتمال را مطرح نموده و می‌فرماید: «لکن بعده يقع الإشکال فی نجاسته و کونه میتة لا تصح الصلاة فیه؛ لیکن بعد از آن اشکال در نجاست آن واقع می‌شود و این‌که میته است و نماز در آن صحیح نیست.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش.) سپس این‌گونه آن احتمال را رفع می‌کنند و می‌فرمایند: «و یمکن أن

یقال فیما إذا حل الحیاة فیہ خرج عن عضوۃ المیت و صار عضوا للحي فصار طاهرا حیا و صحت الصلاة فیہ، و کذا لو قطع العضو من حیوان و لو کان نجس العین و رقع فصار حیا بحیة المسلم؛ ممکن است گفته شود در جایی که حیات در آن حلول نماید از عضویت میت خارج می شود و عضو زنده می گردد، پس پاک و زنده می شود و نماز در آن صحیح است. و هم چنین است اگر عضوی از حیوان قطع شود و لو نجس العین باشد و پیوند شود پس زنده به حیات مسلمان شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش.) دوماً از قیاس اولویت هم می توان در اینجا استفاده نمود، چراکه به همان دلیلی که پیوند اعضای کافر که خود یکی از نجاستها است، به بدن انسان جایز است، (هاشمی، ۱۳۸۶ ق.) پیوند اعضای حیوان نجس العین و مردار هم می تواند مجاز باشد.

۲-۶- روایت های مربوط به عدم جواز از حیوان تذکیه نشده: دو روایت

در این خصوص وجود دارد که در ذیل بیان می گردد:

- روایت حلبی از امام صادق (ع): «و سَأَلْتُهُ عَنِ الثَّيْبَةِ تَنْقِصُ أَمْ يَصْلِحُ أَنْ تُشَبَّكَ بِالذَّهَبِ وَ إِنْ سَقَطَتْ يَجْعَلُ مَكَانَهَا ثَيْبَةً شَاءَ قَالَ نَعَمْ إِنْ شَاءَ فَلْيَضَعْ مَكَانَهَا ثَيْبَةً شَاءَ أَوْ نَحْوَهَا بَعْدَ أَنْ تَكُونَ ذَكِيَّةً؟» از حضرت صادق (ع) درباره دندان های پیشین پرسیدم که اگر بشکنند یا فاسد شود، جایز است که با طلا روکش شود؟ و اگر بیفتد می توان به جایش دندان گوسفند نهاد، فرمود: آری، پس از آنکه گوسفند تذکیه (ذبح شرعی) شود. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش.)

- روایت زراره از امام صادق (ع): «سَأَلَهُ أَبِي وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنِ الرَّجُلِ يَسْقُطُ سِنُّهُ فَيَأْخُذُ مِنْ أَسْنَانِ إِنْسَانٍ مَيِّتٍ فَيَجْعَلُهُ مَكَانَهَا قَالَ لَا بَأْسَ؛ زراره گوید: پدرم از حضرت صادق (ع) پرسید که مردی دندانش می افتد، می تواند دندان انسان مرده ای جای آن نهد؟ فرمود: مانع ندارد. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش.)

ممکن است کسی بگوید در این روایات تأکید شده است بر این که حیوان تذکیه شده باشد، پس پیوند اعضای حیوان تذکیه نشده و مردار جایز نیست.

۱-۶-۲- رفع شبهه روایات: این دو روایت هرچند که به اصل موضوع مقاله مرتبط نیست، ولی از روایت اول می‌توان برای پیوند اعضای بدون حیات حیوان حلال گوشت به بدن انسان استفاده نمود و از روایت دوم هم می‌شود برای جواز پیوند اعضای بدون روح میت به بدن انسان زنده استفاده نمود و از این جهت که ملاک در این دو روایت اینست که انسان بتواند برای جبران نقص و رفع مشقت از اعضای حیوان یا میت برای پیوند به بدن خود استفاده نماید، شاید بتوانیم برای امکان جواز پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان استفاده نماییم.

۷- جمع‌بندی

تاکنون با توجه به بررسی منابع فقهی اعم از آیات قرآن، روایات، مباحث عقلی، بررسی نظرات فقهای معاصر و بررسی ادله مخالفین و پاسخ به آنها مشخص شد که پیوند اعضای حیوان نجس‌العین یا مردار به بدن انسان جایز می‌باشد و اکنون لازم است مسأله طهارت و نجاست عضو پیوندی را بررسی نماییم.

ب - بررسی مسأله طهارت و نجاست عضو پیوندی و صحت یا عدم صحت نماز با آن

پس از این که معلوم شد پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و یا مردار به بدن انسان جایز است، اکنون باید به این دو سؤال پاسخ دهیم: ۱- آیا این عضو پیوندی پاک است یا نجس؟ ۲- نماز با عضو پیوندی از حیوان نجس‌العین و یا مردار چه حکمی دارد؟

۱- طهارت و یا نجاست عضو پیوندی از حیوان نجس‌العین و یا مردار

در این مسأله هیچ دلیلی برای نجاست عضو پیوندشده وجود ندارد، غیر از این که کسی بخواهد با استصحاب نجاست سابق عضو پیوندی در بدن حیوان نجس‌العین، نجاست آن را پس از پیوند اثبات نماید که با چند مشکل رو به روست:

- وحدت موضوع برقرار نیست، زیرا آن اعضا همچنان جدا از حیوان نیستند که بتوانیم بگوییم قبل از جداشدن و بعد از آن، بلکه پس از جداشدن پیوند شده‌اند و موضوع استصحاب عضو پیوند نشده است، ولی پس از استصحاب موضوع ما عضو پیوند شده است، چراکه یکی از ارکان استصحاب این است که باید قضیه متیقنه و قضیه مشکوکه از جهت موضوع و محمول متحد باشند؛ (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۱ ش).

- این استصحاب با ادله مطلقه در مورد طهارت اعضای بدن انسان، مخالفت می‌کند که آن ادله حاکم هستند و طبق این ادله، همه اجزای بدن، محکوم به طهارت است، بدون این که بین عضو حاصل از پیوند و غیر آن تفاوتی باشد؛

- مخالفت با طهارت عرفی، چراکه عرف عضو پیوندی را جزء بدن فرد می‌داند نه عضو حیوان و هنگام خطاب نمی‌گویند «جمجمه سگ»، بلکه می‌گویند «جمجمه فلانی» و آیت... العظمی ناصر مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال: «اگر چشم انسان مرده یا زنده، یا چشم حیوان نجس‌العین مرده یا زنده‌ای را به چشم شخص نابینایی پیوند زنند، چشم پیوندی و رطوبتی که از آن خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟» می‌فرماید: «هنگامی که پیوند گرفت و آن عضو عملاً جزء بدن گیرنده شد، پاک است.» (شیرازی، ۱۴۲۹ ق.) بنابراین این جزء نیز پس از پیوند و جریان خون در آن و تغذیه از بدن استفاده‌کننده، جزء بدن او شده و مشمول دلیل طهارت بدن استفاده‌کننده می‌شود و محکوم به طهارت خواهد بود

و نماز خواندن با آن صحیح است و بریدن آن مثل بقیه اجزای بدن جایز نیست. (هاشمی، ۱۳۷۴ ش.)

فقها بین عضوی که حیات پذیرد و عضوی که حیات نپذیرد، تفصیل قائل شده‌اند و می‌فرمایند: «اگر عضو حیوان نجس‌العین پیوند شود و زنده به زندگی انسان شود از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان درمی‌آید» (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ ق.) و احکام بدن مسلمان بر آن عضو جاری است و نماز خواندن با آن عضو نیز جایز است»، (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ ق.) ولی اگر حیات، حلول نکرده، نجس است، (گلپایگانی، ۱۴۰۹ ق.) اگرچه شاید بتوان گفت در صورتی که همین عضو هم برای بدن انسان ضروری باشد، از باب اضطرار و حرج، نماز گزاردن با آن صحیح خواهد بود.

۲- حکم نماز با عضو پیوندی از حیوان نجس‌العین و یا مردار

در این مسأله دو صورت وجود دارد:

- ۱-۲- در صورتی که عضو پیوندی حیات پیدا نماید: در این صورت همانطور که فتوای فقها بیان شد، جزء بدن شده و اشکالی در نماز نیست.
- ۲-۲- در صورتی که حیات پیدا نکند: باز هم بین صورتی که مسأله حرج و اضطرار در کار باشد، تفاوت وجود دارد.

- در موردی که حرج وجود دارد: حکم این مطلب در روایت بخش اول مقاله از امام رضا (ع) در مورد آب ریختن با دست‌های نجس به طور صریح بیان شده است، چراکه آن حضرت فرمودند: «وَ يَدَاكَ قَدِرَتَانِ فَاضْرِبْ يَدَكَ بِالْمَاءِ - وَ قُلْ بِسْمِ اللّٰهِ - وَ هَذَا مِمَّا قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ هنگام حرج با دست نجس هم آب بردار و غسل بگیر، یعنی این که یک ملاک بیان می‌کند برای صحت این غسل و آن ملاک حرج است و با این ملاک می‌توان گفت که نماز با

عضو پیوندشده از حیوان نجس‌العین صحیح است و فرقی نمی‌کند که آن عضو حیات بگیرد یا نگیرد و از فقها هم می‌فرمایند، چون در حال ضرورت است نماز با آن جایز است.» (مجلسی، ۱۳۸۰ ش.)

- در موردی که حرج وجود ندارد: مثلاً اگر کسی موی حیوان نجس‌العین را برای تزیین به موهای خودش ببافند، فقها می‌فرمایند: «او فعل حرام کرده و اگر با آن نماز کند، نماز او باطل است.» (نراقی، ۱۴۲۶ ق.)

نتیجه‌گیری

استفاده از اعضای بدن حیوان نجس‌العین و مردار برای پیوند به بدن مسلمان جایز است. پیوند اعضای حیوان نجس‌العین و مردار به انسان به این دلیل جایز است که اولاً از سر اضطرار صورت می‌پذیرد؛ ثانیاً اصل در اشیا اباحه است. فتاوای فقها و قواعد لاضرر و لا حرج هم مؤید جواز پیوند اعضای حیوان به انسان است. اعضای پیوندی اگر حیات پیدا کنند، جزء بدن انسان به حساب آمده و نماز با آن صحیح است. اگر اعضای پیوندی رشد نکنند، باز هم در صورتی که پیوند از سر اضطرار و رفع حرج باشد، نماز صحیح است. اگر اعضای پیوندی رشد نکنند و پیوند از نوعی باشد که از سر اضطرار و برای دفع ضرر و برون‌رفت از حرج و تنگنا نباشد، فعل حرام تلقی شده و نماز با آن باطل است.

پی‌نوشت‌ها

1. Xenotransplantation

۲. مشابه این روایت در همین کتاب و ذیل همین صفحه یعنی (مکارم الاخلاق، ص ۹۶) وجود دارد.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- استادی، رضا. (۱۳۸۸ ش.). حرمت خودکشی و وجوب حفظ جان خود و دیگری. فقه اهل بیت علیهم‌السلام. دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، صص ۷۷-۱۱۷.
- آسمانی، امید. خورسندیان، محمدعلی. محمودیان، فرزاد. (۱۳۸۹ ش.). چالش‌های اجرایی قواعد نفی عسر و حرج، لاضرر و اضطرار در سقط درمانی. فصلنامه فقه پزشکی. دوره دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۳۹-۷۱.
- رزاق خورشیدی، حاجی‌بابا. مجدی، علی. (۱۳۹۲ ش.). حمایت از حیوانات در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی. فصلنامه حقوق پزشکی. دوره هفتم، شماره بیست و ششم، صص ۱۹۲-۱۷۲.
- سروش، محمد. (۱۳۹۰ ش.). نظریه امام خمینی (ره) درباره لاضرر و کاربرد آن در حقوق خانواده. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). دوره سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، صص ۷۵-۱۰۴.
- صدوق، محمد. (۱۳۶۲ ش.). الخصال. قم: جامعه مدرسین، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۴۱۷.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۰ ش.). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی، چاپ چهارم، ص ۹۵.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش.). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ده جلدی، جلد چهارم، ص ۵۵۲.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۱ ش.). اصول فقه شیعه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، شش جلدی، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۲۱۵.
- لاریجانی، باقر. (۱۳۷۸ ش.). نگرشی جامع به پیوند اعضا. تهران: بنیاد بیماری‌های خاص، چاپ اول، صص ۱۰۰-۱۱۴.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۲ ش.). بحارالانوار. تهران: انتشارات اسلامی، چهل و دو جلدی، جلد دوم: ۲۷۷؛ جلد هفتاد و سوم: ۷۵.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۳ ش.). رساله استفتائات (منتظری). تهران: تفکر، سه جلدی، جلد دوم، ص ۳۷۷.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۷۹ ش.). تحریرالوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چهار جلدی، جلد چهارم، ص ۴۷۷.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۵ ش.). تحریرالوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۶۲۴.

نظری توکلی، سعید. (۱۳۸۷ ش.). پیوند اعضا در فقه اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ص ۸.
نوجوان، داوود. (۱۳۸۹ ش.). جایگاه قاعده اضطرار در بررسی فقهی. درمان ناباروری. دوره دوم، شماره دوم، صص ۵۹-۸۰.

هاشمی، سرور. (۱۳۸۶ ش.). مبانی مشروعیت پیوند اعضا. مجله فقه و حقوق خانواده. شماره چهل و پنجم و چهل و ششم، صص ۱۱۴-۱۳۹.

منابع عربی:

قرآن کریم.

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۱ ق.). کتاب المکاسب. قم: منشورات دارالذخائر، سه جلدی، جلد اول، چاپ اول، ص ۱۸.

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ ق.). فرائد الاصول. قم: مؤسسه نشرالاسلامی، دو جلدی، جلد دوم، ص ۵۰۱.
هاشمی، سیدمحمود. (۱۴۲۶ ق.). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، پنجاه و شش جلدی، جلد سوم: ۳۹۲؛ جلد سی و چهارم: ۳۷.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۵ ق.). الرسائل الأربع. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چهار جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۱۸۰.

سبحانی، جعفر. (۱۴۲۳ ق.). الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، سه جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۵۰۵.

- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۱۵ ق.). *استفتائات پزشکی*. قم: دارالقرآن الکریم، ص ۵۵.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چهار جلدی، جلد سوم، چاپ دوم، ص ۳۴۵.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۶ ق.). *قواعد فقه*. قم: مرکز نشر علوم اسلامی، چهار جلدی، جلد دوم: ۸۲؛ جلد چهارم: ۱۳۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ ق.). *دائرةالمعارف فقه مقارن*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، چاپ اول، ص ۱۹۳.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۹ ق.). *احکام پزشکی*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، سه جلدی، جلد سوم، چاپ دوم، ص ۲۳.
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۲۷ ق.). *احکام پزشکی*. قم: نشر سایه، ص ۱۲۷.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق.). *جواهرالکلام فی شرح شرائع السلام*. بیروت: دارالإحیای التراث العربی، چهل و سه جلدی، جلد سی و ششم: ۱۰۰، ۱۰۲؛ جلد چهل و یکم: ۶۵۳.
- نراقی، مولی محمد مهدی. (۱۴۲۶ ق.). *تحفه رضویه*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۶۶.
- وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ ق.). *توضیح المسائل*. قم: مدرسه امام باقر (ع)، چاپ اول، ص ۶۱۲.

یادداشت شناسه مؤلفان

یوسف مرادی: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

محمد رضا کیخا: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

حسین خاکپور: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

**Study the transplant members unclean animal and human carrion
to the jurisprudence of Shiite**

Yousef Moradi

Mohammad Reza Keykha

Hussein Khakpoor

Abstract

The problem of organs transplants, in terms of extraordinary importance have in Individual and social issues, By attentioning of the legislators of countries and almost Most developed countries have a law for organs transplants And in Iran, the regulation on 1381/2/25 Adopted by the Council of Ministers; Since the applicants of organs donors are much less than human participants And many applicants do not reach to their dream and they realize the danjour of death And suffering in life and sometimes life becomes unbearable for them, So doctors to provide transplanted organ uses artificials and animal unlimited resources. Although transplant of animal to human (Xenotransplantation) is expanding, But need to be examine from aspect of jurisprudence, If this act is unlawful, it will not be permissible for the Muslims, Therefore in this study, try to examine the jurisprudence foundations such as the Quran, traditions, wisdom and rules like "emergency", "No Harm", "Elimination of difficulties", "bottlenecks" and etc, in certain conditions animal organs transplant, in dirty and dead problems are premitted.

The method of investigating of this article is Descriptive-analytical. It seems transplantation of human organs to dirty animal or dead, according to fundamentals of jurisprudence, such as the Quran, traditions, wisdom, and jurisprudential principles practical rules were allowable and also fatwas of some of the clergies, testifies. As the use of halal meat animals in normal and unclean animal and dead in state of emergency for consuming of food have not any problem, for transplantation into the human body are permissible; In addition,

animal transplantation organs and praying with that parts is correct consequently.

Keywords

Transplantation, Animal, Human, Jurisprudence